

## علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت

## روایت مصادیق عینی جوان‌گرایی

هیئت دولت که آغاز شد، همه آستین‌ها را بالا زده بودند که کار آن معاون وزیر جوان را یکسره کنند. اما من به چشم خود دیدم که حاج آقا در ابتدای سخنش و پیش از اینکه به هر بحث دیگری اشاره کند، بدون ذکر نام و به صورت کلی به همین موضوع پرداخت و همه را به آرامش دعوت کرد فقط با این کلیدواژه که باید به جوان‌ها فرصت داد و به آن‌ها اعتماد کرد. بعد دیدم این را حتی در کاغذ نوشته‌های کوچکی که همیشه همراه داشت، نوشته بود تا مثلاً یادش نرود و در جلسه بگوید، تا کسی متعرض جوان‌ها نشود.

البته این روحیه پدران و حمایتی با انتقاد و اصلاح نیز همراه می‌شد و همیشه این‌طور نبود که به اصطلاح حاج آقا چک سفید امضا به کسی بدهد. وقتی بحث کار بود و وقتی پای کار مردم به میان می‌آمد، ایشان با هیچ‌کس تعارف نداشت، اما رفتارشان با جوان‌ها همیشه رویکرد تربیت و تعلیم داشت و بالحنی صمیمانه به ما تذکر می‌داد تا یاد بگیریم. من هیچ وقت این را از یاد نمی‌برم.

که برخی نهاد‌های رسمی حاج آقا را نهی کردند از اعزام نماینده، چون پیش‌بینی می‌کردند آزادی ذاتی دانشجویان التهاب‌آفرین شود. اما حاج آقا نه تنها به صراحت در جلسه هیئت دولت از حضور بنده در دانشگاه‌ها حمایت کرد، بلکه دیگران را هم به تبعیت از این رویه و ارتباط بی‌واسطه با اقشار مختلف از جمله دانشجویان ترغیب می‌کرد. تدوین اسناد جامع تحول که در قوه قضائیه و سپس دولت اجرا شد، یک نمونه دیگر از این روحیه جوان‌گرایی بود که با تأکید حاج آقا، جوان‌ترین گزینه‌های ممکن برای هیئت عالی انتخاب شدند و سند را تدوین کردند.

وجه دوم این جوان‌گرایی مربوط به زمانی می‌شد که فردی مسئولیت قبول می‌کرد و حمایت ایشان مایه قوت قلب جوان‌ترها می‌شد. مثلاً در یک مورد خاص به یاد دارم یک زمان مصاحبه‌ای از طرف معاون جوان یکی از وزرا منتشر شد که به اصطلاح خودمانی، انتقاد نا عادلانه‌ای به دولت وارد کرده بود. دقیقاً یادم هست که بخشی از آقایان وزرا خیلی از این انتقاد برآشفته شده بودند و جلسه

خاطرات وصف ناشدنی زیادی از حاج آقا رئیس‌ی وجود دارد. بنده از جانب خودم می‌خواهم به خصوصیت جوان‌گرایی ایشان اشاره کنم. این را به مصادیق عینی و متعدد به یاد دارم که ایشان در انتخاب عهده‌داران مسئولیت، زمانی که بین دو فرد با شایستگی یکسان قرار می‌گرفت، ترجیحش بر انتخاب مسئولی بود که جوان‌تر باشد. اگرچه وقتی جوان عهده‌دار مسئولیتی می‌شود، نیازمند تربیت و رشد است و این موضوع، گاهی زحمت ایشان را بیشتر می‌کرد. با این حال، باز هم تأکیدش همیشه بر این بود که جوان، محدودیت‌های ذهنی و محافظه‌کاری مرسوم را ندارد و همین زمینه‌ساز رشد کل سیستم می‌شود. مثلاً در همین مقام سخنگوی دولت که بنده در آن انجام وظیفه می‌کردم یا مثلاً وزارت ارتباطات، آموزش و پرورش و حتی نهاد‌هایی همچون وزارت اقتصاد که نبض عملکرد اقتصادی دولت بود، همه این‌ها از میان گزینه‌های جوان‌تر برگزیده شدند.

دقیقاً به یاد دارم در جریان حضور نماینده دولت در دانشگاه‌ها، اقتضائاتی در این فضا وجود داشت



## محمد مهدی برادران، معاون صنایع عمومی وزارت صمت

## فرزند مشهد بود و آبروی شهر

از دنیا رفتند. این هم نشانه دیگری است که می‌دانیم مسیری که طی کردند درست بود و دوباره به آغوش حضرت رضا<sup>(ع)</sup> بازگشتند.

یک خصوصیت ایشان جدیت و صریح‌الکلام بودن است. گفتمان غالب خودشان در جلسات و مباحث نظری ایشان تبیین موضوع کرامت بود و ادبیات کرامت. ادبیات خدمت و کرامت را در حرم مطهر رضوی تبیین کردند. بعد هم با این گفتمان خدمت و کرامت به دولت آمدند.

بر اساس این گفتمان وقتی می‌بینیم در دهه کرامت به شهادت رسیدند، یعنی پیام دارد. من به عنایت امام رضا<sup>(ع)</sup> امیدوارم. این شهادت قطعاً زبینه‌ای باشد که یکی از خصوصیات ایشان اهل زیارت بودن بود. مقید بودند که روضه ماهانه را برگزار کنند و به هرچالشی که می‌خوردند، متوسل می‌شدند به ائمه<sup>(ع)</sup>. سیر معنوی ایشان در ماه‌های اخیر تعجب‌برانگیز بود. شاید مدبری که اهل اجراست، کمتر فرصت‌کند به مباحث عرفانی بپردازد.

یک نکته دیگر این بود که نظر حضرت آقا برایش خیلی مهم بود. اگر متوجه می‌شد ایشان درباره موضوعی نظری دارند، همه تلاشش را می‌کرد که آن را اجرا کند. با هیچ‌کس هم تعارف نداشت.

باعث آبروی مشهد بودند و فرزند مشهد. از مشهد رفتند و به مشهد بازگشتند.

شده باشد. یک بار از ایشان شنیدم که گفت خانمی به من مراجعه کرده بود و می‌گفت لباس‌ها افزایش قیمت داشته است.

آقای رئیس‌ی به من گفت: برو پیگیری کن چرا این‌طور شده است. دلایلم را گفتم؛ اما برای اینکه اهمیت را برابرم شرح بدهد، توضیح داد: من این‌ها را عمومی نمی‌گویم؛ خصوصی می‌گویم که گاهی به خاطر خبرهایی که درباره افزایش قیمت می‌شنوم و فشاری که به مردم وارد می‌شود تا نیمه شب در خانه راه می‌روم و خواب ندارم. خانواده‌ام می‌گویند استراحت کن و من نمی‌توانم.

این‌ها شعار نبود. آخرین دیدارمان روز پنجشنبه و در سفر استانی به مازندران بود. توفیق داشتم در بیشتر سفرها با ایشان هم سفر باشم. در واحدهای صنعتی و تولیدی حضور می‌یافت. اشتیاق خاصی به رونق واحدهای تولیدی داشت. بهترین خبر برایش رشد تولید بود و کنترل قیمت‌ها. دوست داشت افراد بنشینند و صحبت‌هایشان را بگویند. احیای واحدهای صنعتی برایشان مهم بود و دغدغه. اصلاً جوهره دولت ایشان احیای واحدهای صنعتی بود.

اینکه ایشان در شب ولادت امام رضا<sup>(ع)</sup> به شهادت برسند، هم مردم می‌دانند و هم خدام خاص حضرت رضا<sup>(ع)</sup> که معادلات خاصی وجود دارد. فراتر از آن چیزهایی که در تصورات، ایشان به عنوان تولیدکشیک اول بودند و در روزکشیک خودشان

آشنایی من با آقای رئیس‌ی به سال‌ها پیش برمی‌گردد که البته بعد از حضور ایشان در آستان قدس رضوی این ارتباط بیشتر شد و زمانی که من در حوزه اقتصادی آستان قدس مشغول به خدمت بودم، به صورت مستمر ارتباط داشتیم. آقای رئیس‌ی هنگام حضور در آستان قدس پیشنهاد مسئولیت کشوری داشتند که بنا به هر علتی ترجیح دادند فعالیتشان را در مشهد ادامه بدهند. یک بار به ایشان گلایه کردم که شما پیشنهاد ما را نپذیرفتید. گفتند حق باشماست، اما حرم را ترجیح می‌دهم.

قبل از اینکه به تهران بروم و مسئولیت بپذیرم، خودم هم به ایشان نقد داشتم که چرا حرم حضرت رضا<sup>(ع)</sup> را رها کردید؛ اما یادگرفته شهید سلیمانی افتادم که گفته بود: «همه ایران حرم است». همین مسئله را به ایشان هم گفتم که من همیشه به شما نقد داشتم که چرا حرم را رها کردید و رفتید تهران؛ اما حالا متوجه شدم که در چه شرایطی پذیرفتید و اکنون ضرورت با خدمت است و فرستاده امام رضا<sup>(ع)</sup> هستید برای خدمت به مردم. آن‌ها به دنبال خادمانی بودند که به عنوان یک نعمت به مردم خدمت کنند.

درباره شیوه مدیریت ایشان برخی نکات هست که همه مردم از آن مطلع‌اند، مثل پرکاری، ساده‌زیستی و تعارف نداشتن با نزدیکان؛ اما در این مجال می‌خواهم از نکاتی بگویم که شاید کمتر به آن‌ها پرداخته